



۲۰۱۸/۱۲/۱۷



دوکتور محمد اکبر یوسفی

آیا دعوت نشدن طالبان در کنفرانس «بن» اشتباه بود؟

کنفرانس "بن" بیش از ۱۷ سال قبل، درست، بتاريخ ۲۷ نومبر، سال ۲۰۰۱م، تدویر یافت. این کنفرانس، به اشتراک "چهار گروه" معلوم الحال دعوت شده "افغان"، قریب ۵۱ روز پس از آغاز عملیات قوای "سینتکوم" ایالات متحده امریکا و متحدان آنها، علیه حاکمیت قسمی طالبان ("۹۰ فیصد قلمرو افغانستان را تحت کنترول داشته اند) در افغانستان، به "میزبانی" دولت آلمان و تحت نظارت و رهنمائی های سازمان ملل متحد به کار آن آغاز نموده است، نه آنطوری که آقای حامد کرزی، در یک افاده طوری بزبان می آورند، که گویا ایالات متحده، بحمايت جامعه بین المللی، بعداً دست بکار شده باشند. نباید فراموش کنیم که قبل از آغاز عملیات یاد شده ایالات متحده امریکا، که حوادث "۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م را مسبب آن، شناخته اند، جنگ "داخلی" توسط "اتحاد شمال" و "طالبان"، علیه همدیگر بر سر قدرت، ادامه داشته است.

تصمیم عاجل دعوت از آن گروه ها، باید زمانی بسرعت انکشاف کرده باشد، که "ایالات متحده امریکا" در برنامه "اشغال" افغانستان، و در حالت "سقوط" طالبان، "اتحاد شمال" را بحیث "بديل" انتخاب نموده بودند. این تصمیم هم در حقیقت، می تواند



زمانی ممکن شده باشد، که تدارکات برای اشغال افغانستان با حمله وسیع نظامی اتخاذ گردیده بود. اما تصمیم، مبنی بر تدویر "کنفرانس بن" و تشکیل اداره موقت، پس از آغاز عملیات نظامی صورت گرفته است که "سقوط حاکمیت طالبان" حتمی و هم "جنگ علیه تروریسم"، به عنوان برنامه طویل المدت، ایالات متحده و متحدان آنها، تصویب شده تلقی می شد. برخی از گزارشات، ضرورت عاجل تشکیل یک "حکومت موقت" را، بنابر اقدام ایالات متحده امریکا، می دانند که بالاخره بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م، به عملیات وسیع، جهت اشغال افغانستان و سقوط حتمی "حاکمیت" طالبان، دست می زنند. "سقوط طالبان" را می توان به عنوان یک اقدام "ناگزیر" متحدان "جامعه جهانی" در آن هدف دانست، در حالی که رهبران امریکائی، در تشکل و قدرت طالبان افغان، توان عمل تروریستی را نمی دیده اند، که در

برابر امنیت "غرب"، چنان خطری را، مانند "القاعده"، ایجاد نمایند. اما از اینکه طالبان "میزبان" رهبران "القاعده"، شناخته شده بودند، و حاضر نمی شده اند، تا به تقاضای "واشنگتن" مبنی بر تسلیمدهی، "متهمین" حوادث "نیویارک و واشنگتن (۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م) جواب مثبت دهند، سرنوشت "طالبان" با "سقوط" و هم سرنوشت کشور افغان، با پلان "اشغال" گره خورد.

آنطوری که رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و هم چنان مسئولین نظامی و امنیتی برتانیه، بطور مشخص نیز اظهار داشته اند، هدف آنها را، ضمن "انتقام گیری" از رهبران "القاعده" در رابطه با حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م و هم به نسبت اعمال تروریستی چند سال قبل از آن، جنگ طویل المدت را علیه "تروریسم بین المللی"، تعیین نموده بودند. وقتی "جنگ علیه تروریسم" بین المللی، یعنی علیه "القاعده"، آغاز یافت، "اتحاد شمال" در روز های آغاز حملات هوایی، ممد در محاربات زمینی بوده

اند، که الی قبل از تدویر کنفرانس "بن"، با استفاده از فرصت، وارد کابل شده اند. ممکن همین وضعیت هم، موضوع، "دعوت"، طالبان را هیچ کسی ممکن ندانسته، و مطرح هم نشده باشد.

در همان روزها، نماینده خاص سازمان ملل متحد، "الاحضر الابراهیمی"، حین تدویر کنفرانس، خود از نقیصه ها با افاده های دیگر، یاد آور می شد، مطبوعات هم چنان از عدم رضایت «پاکستان» حرف می زده اند، همه می دانستند، که «پاکستان حامی طالبان» بوده است، اما در نهایت، «رسماً» حاضر به حمایت از سیاست ایالات متحده، گردید و یک وضعیت «مکدر» بوجود آمد.

بهر صورت، پاکستان در کنفرانس «بن» کاملاً بی اثر، نبوده است. «ابراهیمی» مدعی می گردید، که با این "نمایندگی" کم، جامعه بین المللی می خواهد، وظایف بزرگی را انجام دهد. گویا هدف "تشکیل اداره مؤقت" بوده، از اصطلاح و مفهوم "ملت سازی" نیز یاد می نموده اند. اما خیلی پس از آن، و ممکن، یک زمانی که مأموریت او به پایان رسیده است و یا ممکن در مرحله انجام کار بوده است، نماینده وقت سازمان "ملل متحد"، دعوت نشدن طالبان را در کنفرانس "بن"، "اشتباه" دانسته است. این تذکر "اشتباه"، باز هم یک تصور فرضی و غیر دقیق بوده است، که هر کس را متردد ساخته و امکان اشتباه را محتمل می شمرده اند. این شیوه نتیجه گیری شباهت با عملی دارد، که به اصطلاح مردم ما، "در کدو سنگچل" انداخته شود. برای ایجاد ذهنیت ها و تخیل، ضد اقدامات قبلی و یا در تحت نام "اشتباه"، دلایل "تبرئه" برای عدم موفقیت خود آنها، نیز بیان دارند. هیچ کسی در "آنزمان" توضیح مطلب را بزبان نمی آورده اند و هم ممکن است که نمی دانسته اند، که بنا بر چه دلیل، دعوت نشده اند و یا مطرح نبوده اند. بر علاوه کسی هم نمی توانست بگوید، که آیا "طالبان" بعد از اینکه زمینه های، این "جنگ اشغالی" را فراهم آورده اند و جنگ جریان داشته است، حاضر به "اشتراک"، در چنین یک کنفرانس می شده اند و یا نه؟ در واقعیت امر، جواب آنرا باید، آن مراجع ارائه نمایند، که صلاحیت دعوت و امکان فراخوانی به کنفرانس را، داشته اند. در چند جمله بعدی دیپلمات ارشد آلمانی، جواب آنرا، ارائه داشته است، که خدمت خوانندگان محترم نقل خواهیم کرد.

اینکه آیا "ابراهیمی" خود، بحیث فرد مؤظف، برای پیشبرد کنفرانس، در ترکیب همچو کنفرانس، صلاحیت داشته است و یا نه، برای این نویسنده معلوم نیست. اظهار "ابراهیمی" درین مورد، که گویا "دعوت نه نمودن طالبان اشتباه" بوده است، معلوم نیست که آنرا "اشتباه" خودش دانسته است و یا "اشتباه" دیگران. این موضوع، بیشتر از قبل، زمانی شنیده می شود، که طالبان، پس از یک وقفه قریب یکسال بعد از سقوط آنها، تشکل مجدد آنها را به فعالیت های "جنگی" ضد "حکومت مؤقت" و "قوای خارجی"، برملا ساختند. آنها فعالیت های "جنگی" آنها را هم، با نحوه های دیگری، از خود نشان می دادند، این حرف این "مهتره" و شخص مؤظف سازمان ملل متحد که پیش برنده برنامه مطروحه بوده است، و خود در آن، صلاحیت تغییر نداشته است، هم چنان یک حرف، میان خالی و مفت است، معلوم نیست، که چرا گفته است. او نمی گوید، که آیا، موضوع دعوت آنها، برای صلاحیتداران "جامعه جهانی" مطرح بوده است و یا خیر؟

صرفنظر از اینکه این شخص در یک مأموریت قبلی سازمان ملل متحد، که جوانب در گیر "جنگ داخلی" را، باید از طریق "مذاکره" به "ختم جنگ" تشویق می نمود، خودش را عاجز و ناکام اعلان کرده بود و از آن مأموریت مستعفی شناخته شده، اما به نسبت عاجل بودن موضوع در سال ۲۰۰۱م، همان ناکام قبلی را باز فرصت، داده اند. این هم روشن نیست، که با طالبان هم، در باره اشتراک در چنین کنفرانس مطرح شده بود، یانه؟ طالبان برای تمام خاک می جنگیدند و برای سیستم سیاسی در ساحات تحت تسخیر آنها، نام "نو" تعیین نموده بودند، که تا امروز هم، بر آن پافشاری دارند. این موضوع در حقیقت در ذهنیت ها، بحیث "نقیصه" باقی ماند. در صورتی که تحت چنین "فرضیه"، دعوت می شدند، باز هم معلوم نیست، که نتایج کنفرانس، چه می شد؟ همه فرضیه های خیالی است.

حال پس از ۱۷ سال، در یک صحبت تلویزیونی، وقتی از "رئیس جمهور سابق افغانستان، حامد کرزی"، در باره "آتش بس" یکطرفه اخیر دولت افغانستان با "طالبان" پرسش بعمل می آید، و می گوید، که "آقای کرزی شما روند صلح را بطور رسمی

در سال ۲۰۱۰م، آغاز کردید، اما تا اکنون هیچ یک از گروه های اصلی طالبان به حکومت نپیوسته اند. تنها توانسته اند در ۷۰ درصد فعال؟ سوال باشند؟... مشکل در کجا بوده است؟ "

او مستقیماً از " دعوت نشدن طالبان" بحیث "اشتباه"، معترض می شود و صرفنظر از اینکه بر همه اقدامات امریکائی در ارتباط با "بمباران ها"، گرفتاری افراد و اعزام به "گوانتانامو" و غیره موضوعات، تا حدی با بی نظمی، سطحی، و عام و بدون تسلسل از نگاه وقوع حوادث، اعتراض می کند، مانند اینکه درین سالها، او رئیس جمهور نبوده باشد، در حقیقت از نظر تصویری، "ابراهیمی" تقلید می کند. اینکه آقای رئیس جمهور سابق، که خود از سال ۲۰۰۱م الی ۲۰۱۴م، مسئولیت رهبری امور را



داشته است، حال هر چه خواهد، می گوید. البته حق دارد. بار اجرایی و رهبری دولت، در حال حاضر، بر گردن او بار نیست. اما همه فعالیت های روزمره و تلاش های او، حتماً برای افغانستان و برای جهان بشریت، قابل قبول بوده نمی تواند، طوری که خود از ذهن خود "ترشح" می دهد. در کلتور سیاسی "دیموکراسی" انسان حق دارد، نظر خود آزادانه بگوید، البته لازم است، دروغ گفته نشود و هم از نگاه علمی، غیر دقیق و بدون سند باور کردنی، حرف زده نشود. وقتی این سؤال را اداره کننده برنامه، به "مارکوس پوتسل" (Markus Potzel)، سفیر اتحادی آلمان در افغانستان از سال ۲۰۱۴م تا ۲۰۱۶م و هم نماینده خاص آن دولت، در رابطه با افغانستان و پاکستان، راجع ساخته است، که آیا، دعوت نشدن "طالبان" اشتباه بوده است. این دیپلمات ورزیده چنین افاده کرده است که ممکن از دید امروز اشتباه خوانده شود، اما در آن فرصت، "طالبان" می

جنگیدند و "شکست خوردند، آنها کنار نرفتند، بنا برین از نظر ما، برای ما نیاز نبود که از طالبان دعوت شود." تفصیل موضعگیری ها را می توان درین "لینک" بشنوید. (با عرض معذرت، که متن گفتار تلویزیونی را، بنابر تکلیف شنوائی دقیق برخی از تلفظ های مترجمین و هم سرعت صحبت ممکن نبود، که متن مکمل تهیه شود، بناءً خوانندگان محترم را، به شنیدن "ویدیویی" توصیه می نمایم، تا لطفاً توضیح دیپلمات آلمانی را، خود با دقت بشنوند، که مورد تأیید این نویسنده، بر طبق مطالعات چندین ساله می باشد.) از جانب دیگر در رابطه با اظهارات آقای کرزی، خود قضاوت کنند.

<https://www.youtube.com/watch?v=CzQTdWp3BHc>

دیپلمات و نماینده خاص آلمان در امور افغانستان و پاکستان، نقطه نظر دقیق و قابل فهم دیگری را هم، در رد ادعا های "رئیس جمهور سابق، حامد کرزی" که درین اواخر، در هر جا، تکراراً، ذکر می کند: "این جنگ افغانی نیست... درین جنگ افغانها کشته می شوند..." (اگر می خواهید، لطفاً به «ویدیو» گوش دهید.) برخلاف "حامد کرزی، رئیس جمهور سابق" که شعار های گمراه کننده و دور از حقیقت کامل، و کلیشه مانند را، هم صحبت می کند، ما افغانها، نباید در برابر جامعه جهانی، با بی اعتنائی و بی اعتباری مطلق در همه موضوعات، در شباهت با "افرطیون مذهبی" و سایر "راسیست ها" بنگریم. آنچه جامعه جهانی مصمم شده اند، تا حد ممکن عمل نموده اند. آنچه را که نمی توانند، اجرا کنند، وظایف خود افغان ها در دولت آنهاست. جامعه افغان باید راه انکشاف خود را، خود ببیند... "مارکوس پوتسل"، ضمن ابراز احترام، به "حامد کرزی"، گفته است "من با این نظر مخالف استم" خلص مطلب را، بدین مفهوم ارائه نمود، که "بحران افغانستان بین افغانی است. درین بحران افغانها علیه افغانها می جنگند..."

با تأیید از نظر و برداشت علمی و منطقی انساندوستانه "مارکوس پوتسل" باید علاوه شود که، در "بحران" افغانستان، هیچگاه نباید، "عوامل خارجی" را تنها در نظر گرفت و یا تنها به "عوامل داخلی" توجه داشت. اگر "آقای کرزی" در حالتی که "قوای خارجی" در "جنگ" سهم می گیرند، و "تلفات جانی" صورت می گیرد، درست است، از یکطرف ممکن تنها افغان کشته نشود، ممکن هم افغان و هم خارجی کشته شوند. اما در بسیاری از حالات "افغان بدست افغان هم کشته" می شوند، بناءً ما حقایق را، باید به هر اندازه که تلخ هم باشد، آنطوری که هست، انسانی بپذیریم. مرگ هر انسان در هر جنگ تأسف آور است. آقای حامد کرزی، رضایت در زندگی "قومی" و "افتخارات فامیلی" خود را، که از تاریخ افغانستان دارد، بهتر است، برای خود داشته باشد. این اصل، که باید بحران افغانستان، با صحبت خود افغانها و به رهبری خود افغانها، حل گردد، یک امر درست و حتمی



Hamid Karzai mit amerikanischen Soldaten der Special Forces, 2001

(«حامد کرزی با عساکر قوای خاص امریکا»)

Monday, 16 June, 2002, 15:36 GMT 16:36 UK

Afghan wind blows dynasty away



«King under pressure from politicians and warlords»

(سپر فوقانی: «باد افغان پادشاهی را دور راند!» سپر تحتانی:

«باد شاه - سابق تحت فشار سیاستمداران و جنگ سالاران»

شما و مذهبیون افراطی عقبراء، برای همیشه، بر طبق همان طرز دید "آخوند درویزه ها" در همکاری با "شهبازده های ملاک"، زمان «مغل» و هم «صفوی ها» ادامه یابد.

حال واضح شد که چرا "طالبان" با دولت "شما" مذاکره نکرد، در حالی که شخص شما، از دولت آلمان تقاضای "کمک"، نموده بودید، تا "طالبان" را، با دولت شما، برای "مذاکره" تشویق نماید. این پروسه در زمان شما، بخصوص پس از تأسیس دفتر "طالبان" در "قطر"، مختل شد. ممکن است، یک زمان افشاء شود، که پیوند های احتمالی "اصلی" شما، با "تنظیم های جهادی"، با "طالبان" و هم با "خارجیان" بر مبنای، چه اهداف کوتاه مدت و طویل المدت بوده است. شما حال مانند افراد همسطح و هموظیفه، مناسبات پس پرده را که، احتمالاً با "خارجی ها" و منجمله با مقامات "امریکائی" داشته اید، افشاء می کنید. برای چه؟ این مربوط شماسست، هدف را هم حتماً خود می دانید. اما اگر فکر کنید، که خلاف برداشت "مارکوس پوتسل" در باره صلح افغانستان، عمل شود، پس هدف تان، همان حاکمیتی خواهد بود، که در افغانستان امپراتور های مستبد، نوع مغل و یا شاهان

"صفوی" در همکاری با "شهزاده های محلی" و "روحانیون عقبگرا" تحمیل می داشته اند. حال هم این افاده شما، بدان معنی است که شما و "طالبان"، قدرت را، مستقیماً از "خارجی ها" می خواهید؟ چنین یک هدف فاجعه ها را با خود، خواهد آورد.

خوانندگان محترم، به این چند جمله توجه نمائید: مجله شپینگل، در یک متن کوتاه معلوماتی آن، تحت عنوان "کرزی و افغانستان" چنین می نویسد: « حامد کرزی در حال حاضر مقام رئیس جمهور افغانستان را بدوش دارد. بعد از اولین مرحله جنگ افغانستان، ایالات متحده امریکا و سازمان ملل متحد تعیین او را در "کنفرانس پیترسبرگ" در "دسمبر" ۲۰۰۱م، بحیث رئیس حکومت مؤقت افغانستان، قبولانده توانستند. "لویه جرگه" در سال ۲۰۰۲م، کرزی را به حیث رئیس جمهور یک حکومت انتقالی یا مؤقت تعیین نمود. » هم چنان بیاد داریم، وقتی گزارشگر "بی بی سی"، خبر "انتخاب" شما را، از طریق تلفون خبر داد، با چه خرسندی، عکس العمل نشان دادید. در فضای که شما، "آقای حامد کرزی" تعیین شده بودید، چنین گزارش یافته است: در یک گزارش روز پنجشنبه اول "اگست" ۲۰۰۲م، "بی بی سی"، با نشر تصویری از محفل "لویه جرگه"، در قسمت بالائی عکس با خط درشت می نویسد که: «**اسامبله افغان "غیر دیموکراتیک"**» به ادامه علاوه می کند: "**بسیاری از نمایندگان، مایوس و نا امید بوده اند**". در عین زمان گزارش می گردد، که جلسه عمومی بر اساس مؤسسه "تینک -تک" مستقر در "بروکسل"، "با معاملات در اطاق های عقبی و ایجاد ترس و ارباب"، با سکتگی ها و توقف ها، روبرو می گردیده است. در همین گزارش بر اساس: "رپور تهیه شده توسط "گروپ بحران بین المللی" (INTERNATIONAL CRISIS GROUP (ICG)) می نویسد که "**جلسه بر طبق قانونیت ملی و بخاطر پروسه صلح در افغانستان، در فضای صلح آمیز یک رهبر معروف - حامد کرزی - را بحیث رئیس جمهور انتقالی، انتخاب نموده اند...**" با وجود آن همه گزارشات "**موفقیت آمیز**"، آنچه در اطاق های عقبی، احتمالاً رخ داده باشد، که مطالب زیاد در رابطه، با "**ترس و ارباب**" نیز منتشر گردیده است، می تواند، بحیث سنگ های "مزاحم" در مسیر این "زامداران" نیز نقش خود را داشته بوده باشد.

در "لویه جرگه اول" که باید بحیث رئیس جمهور انتخاب می شدید، آنچه تا حدی برجسته انتشار یافت، اینست، وقتی از "پیر گیلانی" می پرسند، که چه کسی مورد "انتخاب" اوست، واضح می گوید: "**به حامد کرزی رأی می دهم، زیرا روابط خارجی او وسیع است...**"

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "**کلیکی**" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

آیا دعوت نشدن طالبان در کنفرانس «بن» اشتباه بود؟

[Yusufi_akbar_taalebaan_wa_conferance_bonn.pdf](#)